

«ریتم» در موسیقی ایران

فرهاد فخرالدینی

- ۳ -

از ترکیب ارکان بایکدیگر کلماتی را با حروف (ق. ع. ل.) ساخته و آنرا میزان سنجش بحور و تعیین اوزان اشعار قرار داده‌اند. آن کلمات را در اصطلاح اجزا و اصول و افاعیل عروض میگویند. از ترکیب اجزا بایکدیگر بحور اوزان عروضی ساخته میشود.

در موسیقی اجزاء ایقائی را با ترکیب حروف (ت) و (ن) و (ن^۰) میسنجند و آن کلمات را در اصطلاح اتابین گویند. از ترکیب اتابین بایکدیگر ادوار ایقائی ساخته میشوند.

قدمای حداقل واحد زمان را برابر یک نقره ساده فرض میکرند که ما اینجا آنرا با شکل دولاقنگ نشان داده‌ایم، این واحد کمترین مقدار زمانی است که بین اجرای دونت موسیقی (دونقره) موجود است عملای این واحد را غیر قابل تقسیم میگرفتند و مقدار آنرا برابر فاصله زمانی پوچره متواالی

میدانستند که بطور طبیعی نتوان بین آندو ضربه‌ای دیگر اجرا نمود (بدیهی است که از نظر ریاضی میتوان هر چند ضربه‌ای بین آندو ضربه فرض نمود ولی آنچه عرف و سنت اجرا اجازه میدهد بین دو ضربه متوالی ضربه‌دیگری نمیتوان عملاً بکار برد).

برای تعیین مقدار این واحد آنرا معادل زمانی میدانستند که بین دو حرف (ت) و (ن) در تلفظ کلمه (تن) موجود است بنا بر این واحد سنجش زمان معادل زمانی است که بین تلفظات ون در کلمه تن موجود است (یازمان شروع نقره اول تا شروع نقره دوم معادل واحد زمان فرض میگردند). بدیهی است ممکن است این کلمه را سریع یا کند تلفظ نمود ولی میزان سنجش حد اعتدال آنست .

حال که واحد سنجش زمان برای تعیین دیتم مشخص گردید میتوان زمانهای کششی بیشتر معادل دو برابر و چهار برابر ... انتخاب نمود و آنها را با کلمات تن و تتن و تتنن و نمایش داد قدمای کوچکترین واحد زمانی را با (ا) و دو برابر آنرا با (ب) و سه برابر آنرا با (ج) و چهار برابر آنرا با (د) و پنج برابر آنرا با (ه) نشان میدادند .

زمان (ه) بندرت هورد استعمال قرار میگیرد و نیز در کتاب در درجه الناج از قول ابونصر فارابی مینویسد (... زمان ایقائی نشاید که زیادت از (ه) بود) و اینک بمعروفی ریتمهای مهمی که در قرن دوازدهم میلادی معمول بوده و توسط صفی الدین ارمی ۱ در کتاب (الادوار فی الموسيقی) تشریح گردیده هیپردازیم .

۱- ثقل اول تتن تتنن تتن تتنن
که با نت نویسی امروز باین شکل خواهد بود .

تُنْ تُنْ تُنْ تُنْ تُنْ

كَلْ كَلْ كَلْ كَلْ كَلْ

که معادل با ۱۶ واحد زمانی است (۱۶ دولاچنگ) بدیهی است که دور کامل آن مانند یک بیت شعر معادل ۳۲ واحد خواهد بود.

اگر تغییر اول را باین شکل تغییر دهند یعنی ترکیب آن مرکب از یک سبب خفیف و یک فاصله صفری و یک سبب خفیف و دو فاصله صفری باشد آنرا در عرف مخمس کبیر گویند.

تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ (بروزن معین منعین نعلن)

۱۶ = ۳۳۳ ۳ ۳ ۳

حال اگر این مخمس کبیر را دو برابر کنند یعنی ترکیب آن مرکب از سه فاصله صفری و یک سبب خفیف و یک فاصله صفری و زمان سادسی (شش برابر واحد زمانی) و زمان ثامنی (هفت برابر واحد زمان) باشد. آنرا خفیف گویند واکثر نوابت^۱ را بر آن ضرب سازند.

تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ

۳۲ = ۳۳۳ ۳ ۳ ۳ ۳ ۳ ۳

۲- تغییر ثانی که شامل هفت واحد زمانی است تنان تنان تنان بر وزن مقاعلان.

تَنْ تَنْ تَنْ (بروزن معاعلن)

۸ = ۳ ۳ ۳ ۳

دنباله دارد

۱- آهنگسازان آن عصر قطعاتی بنام نوبه می‌ساخته‌اند که بعداً در پاره آن بحث خواهد شد.